



علی اکبر سoroush
مدیرکل نهاد کتابخانه‌های ملی جمهوری اسلامی ایران

بر هیچ کس پوشیده نیست که ترویج فرهنگ کتاب و کتاب خوانی باعث رشد فرهنگ عمومی و افزایش دانایی و آگاهی در جامعه می شود و این امر نیز منج به کاهش بسیاری از معضلات و مشکلات اجتماعی خواهد شد. آمارها هم نشان می دهد فضای کتاب و کتاب خوانی در استان نسبت به سال های پیش رشد چشمگیری داشته است. اگر بخواهم با آمار و ارقام صحبت کنم باید بگویم رشد فضاهای کتابخانه‌ای نسبت به سال قبل ۱۰۴درصد افزایش داشته است. تا آبان ماه سال ۱۴۰۰ بالغ بر ۳ میلیون و ۳۲۵ هزار نسخه منابع در کتابخانه های عمومی استان وجود داشت که در آبان ماه ۱۴۰۱ این منابع بالغ بر ۳ میلیون و ۳۹۷ هزار نسخه رسید که نشان از رشد ۱۰۲ درصدی در این حوزه دارد. همچنین، تعداد منابع اهدایی تا آبان ماه سال ۱۴۰۰ بالغ بر ۷۳ هزار نسخه بود که در آبان ماه ۱۴۰۱ به ۱۲۹ هزار نسخه رسید و شاهد رشد ۱۹۰ درصدی آن هستیم. از طرفی، در هفته کتاب برنامه های زیاد و متنوعی را برگزار کرده ایم. پویش اهدای کتاب در سطح ادارات با عنوان «کتاب خواندنی است نه تزئینی» در راستای تجهیز کتابخانه های تازه تأسیس ودور افتاده، انعقاد تفاهم نامه با دیگر دستگاه های اجرایی، برگزاری پویش ها و مسابقات کتاب خوانی، برگزاری محافل ادبی با حضور شاعران و نویسندگان، برگزاری سلسله کارگاه های آموزشی با محوریت مهارت های سبک زندگی و روان شناسی، تور کتابخانه گردی، نمایشگاه کتاب با همکاری فروشگاه های کتاب در سطح استان، ویژه برنامه های قصه گویی و نشست های کتاب خوانی، جلسات مشاوره، عضویت رایگان در ۲۴ آبان ماه، جشن کتاب استانی، بخشودگی جرایم دیرکرد منابع امانی در روزهای ۲۱ تا ۲۷ آبان ماه، پویش ملی «کتاب دست چیه؟» و... بخشی از برنامه های ما در هفته کتاب و کتاب خوانی بود. همچنین، تا آبان ماه ۱۴۰۰، دوازده باب سالن مطالعه و در آبان ماه ۱۴۰۱، شانزده باب سالن مطالعه با مجوز نهاد کتابخانه های عمومی کشور در حال فعالیت هستند که رشدی بالغ بر ۱۳۳ درصد داشته اند. علاوه بر این، تا به امروز هفت کتابخانه سیار در شهرستان های کاشمر، مشهد، چناران، تایباد و باخرز در حال ارائه خدمات کتابخانه ای به اقصى نقاط استان هستند. با توجه به اینکه تعداد ۲۷ شهر در استان فاقد کتابخانه هستند، در نظر داریم تا پایان سال شش کتابخانه سیار دیگر نیز در شهرستان های طرقبه شاندیز، تایباد، قوچان و مشهد به ناوگان کتابخانه های عمومی در راستای اجرای عدالت فرهنگی و اجتماعی در مناطق کم برخوردار و دورافتاده راه اندازی کنیم.

گزارش یک انقلاب

معرفی کتاب «نیمکت های پاییزی: گزارشی از واقعه سیزدهم آبان ۱۳۵۷»

اولین پیام امام پس از استقرار در پاریس خطاب به محصلان مدارس و حوزه های دینی، دانشجویان، استادان دانشگاه ها و دانشسراها موج مبارزات علیه استکبار و استبداد را خروشان ساخت. در بخشی از متن این پیام آمده بود: «هان ای عزیزان من! در محیط مدارس و دانشگاه ها و دانشسراها آگاهانه و متعهد به یا خیزید و به هم بپیوندید و برای نجات اسلام و کشور کوشش کنید. این پیام انگیزه دانش آموزان و دانشجویان را در مبارزه علیه رژیم افزایش می دهد و از نیمه اول آبان این افشار بر تکاپوی خویش افزودند. خصوصا دانشگاه تهران مأوای دانش آموزان و دانشجویان و مرکز تظاهرات مشترک آنان قرار گرفت.»نیمکت های پاییزی، گزارشی است از واقعه سیزدهم آبان ۱۳۵۷. این روز یادآور حماسه ها، ایثارها و فداکاری های دانش آموزان ایرانی است. شاه آبادی در این کتاب روایتگر روزهای فراموش ناشدنی از انقلاب است؛ روزهایی که در آن مشتهای گره کرده دانش آموزان پایه های کاخ ظلم و ستم طاغوت را به لرزه درآورد. دهم، یازدهم و دوازدهم آبان نیز تظاهرات بدون زدوخورد ادامه یافت تا اینکه در سیزدهم آبان ۱۳۵۷ تظاهرات دانش آموزان در حوالی دانشگاه تهران با مداخله نیروهای نظامی به خون کشیده شد. نیروهای نظامی رژیم در پی تجمع تعداد زیادی از دانش آموزان از ساعت یازده صبح دانشگاه را محاصره کردند. حدود ساعت دوازده ظهر نیروهای ارتش جلور در جنوبی دانشگاه مستقر شدند و شلیک گاز اشک آور را به داخل دانشگاه آغاز کردند. تظار هر کنندگان با برافروختن آتش به خنثی سازی گازها پرداختند که ناگهان نیروهای نظامی نوک اسلحه های خود را به سوی تجمع کنندگان گرفتند و به آن ها شلیک کردند. قلم جذاب و گیرای حمیدرضا شاه آبادی در بیان وقایع تاریخی روزهای منتهی به ۱۳ آبان ضمن مرور صفحاتی از تاریخ معاصر، خواننده را با ابعاد ی تازه از نقش دانش آموزان در انقلاب اسلامی آشنا می کند. این کتاب را حمیدرضا شاه آبادی نوشته و کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان آن را منتشر کرده است.

زین قیدار

علیرضا حیدری |مدرس ویراستاری

🔴 بعداز گروه های قیدی،نشانه،ویرگول»می گذاریم.

درهر حال،اوبابین روش موافق بود.

بنابراین،نابیدار این موضوع گذشت.

در نتیجه،سفر به زمان دیگری موکول شد.

از این رو،هر خبری را نباید پذیرفت.

امروزه،همه بابین شیوه زندگی می کنند.

درواقع،این روش کار ساز است.

#زین-قندپارسی

گفت وگو با هانیه وهابی، کتابدار باسابقه مشهدی

کتابدار خوب، کتابدار با اخلاق است

فتحی، رحیمیان

گفت‌وگو

واقعیتش این است که کتابداری شاید در نگاه اول یکنواخت و خسته‌کننده به نظر برسد، اینکه هر روز کاری مشخص را انجام بدهید، درگیر کارهای سازمانی و پاسخ دادن به سؤال های تکراری شوید و درعین حال، خیلی عساقورت‌داده و جدی به نظر برسید. اما کتابدارهای با تجربه و باسابقه خیلی زود از این تنگنا خارج می‌شوند و مدام برای خودشان و برای اعضای کتابخانه جذابیت‌های گوناگون ایجاد می‌کنند. هیچ چیز برای مراجعه‌کننده ناراحت‌کننده تر از این نیست که احساس کند کتابدار فقط حرف های او را می‌شنود، اما به آن ها گوش نمی‌دهد. هانیه وهابی اما هر خوب گوش می‌دهد و هم خوب و صادقانه مراجعه‌کنندگان کتابخانه را راهنمایی می‌کند. او بیشتر از یازده سال در کتابخانه های عمومی سطح شهر که وابسته به اداره کل نهاد کتابخانه های استان بوده، فعالیت کرده و تجربه های زیادی در این حوزه دارد. گفت‌وگوی زیر ثمره چند ساعت گپ‌وگفت درباره خاطرات تلخ‌وشیرین سال‌های فعالیت او در کتابخانه است.

● خانم وهابی، چند سال است کتابداری می‌کنید؟
تصویلاتتان مرتبط با این رشته بوده است یا از طریق دیگری با این کار آشنا شدید؟ قبل از ورود به این کار چه تصویری از کتابداری داشتید؟

کتابداری جزو علایق من بود و اولین انتخاب در دوره دانشگاه همین رشته بود. از همان دوران دانشجویی در دانشگاه فردوسی وارد دنیای کتابداری شدم. می‌شود این طور بیان کرد که از سال ۱۳۸۶ به صورت جدی کتابدار بودم. این فعالیت در ابتدا با کتابخانه های خصوصی شروع شد و بعد از آن جذب نهاد کتابخانه های عمومی شدم. این علاقه هم به دوران تحصیل در دبیرستان برمی‌گردد. در کتابخانه دبیرستان خانمی بود که در این رشته تحصیل کرده بود و مشوق من در انتخاب عمومی بود و من از کودکی مراحل ساخت آن را از نزدیک دیده بودم و همیشه آرزو می‌کردم کاش اینجا مشغول به کار شوم. به هر حال، بزرگ شدم و کتابداری خواندم و آن ساختمان هم ساخته شد و من هم در آن مشغول به کار شدم. تصور از کتابدار کسی است که در کتابخانه کار می‌کند و اگر کتابی بخواند، می‌توانند به او مراجعه کنند. ولی کتابداری دنیای متفاوت و بزرگ تری نسبت به این تصورات دارد. یکی از شروط کتابدار خوب این است که به روز باشد و اطلاعاتش را همواره تازه نگه دارد.

● از نظر شما کتابدار خوب باید چه شاخصه هایی داشته باشد؟ یعنی باید خودش کتاب خوان باشد یا همیشه اطلاعاتش را به روز کند یا بتواند خوب راهنمایی کند؟

به نظر در ابتدا مهم تر از همه این ها اخلاق آن آدم است، چون کتابداران به صورت مستقیم با مراجعه کنندگان به کتابخانه سروکار دارند و می‌توانند با برخوردشان یک آدم را به کتابخانه جذب یا از آن دفع کنند. پس اخلاق مهم ترین عامل است. تصور کنید که کتابدار، مدرک دکتری داشته باشد. وقتی اخلاق حرفه ای و روان شناسی مراجع نمی‌داند، به چه دردی می‌خورد؟ چون کتابدار در حقیقت با همه افشار درگیر است. از کودک تا آدم مسن با همه جور تحصیلاتی و همه جور آدمی سروکار دارد. نرم افزاها و کتاب های زیادی هستند که در دسترس مردم قرار دارند و خودشان می‌توانند از آن ها برای به روز بودن استفاده کنند. درحالی که این اخلاق و صبر و حوصله یک کتابدار است که می‌تواند مردم را جذب کتابخانه و کتاب خوانی کند. همان طور که خودتان گفتید، شما با آدم های مختلفی در سنین مختلف و با تحصیلات متنوع سروکار دارید. تصور کنید نوجوانی که تازه کتاب خوانی را شروع کرده است، از شما راهنمایی می‌خواهد. شما چه چیزی به او پیشنهاد می‌کنید و چطور او را به کتاب خوانی علاقه مند نگه می‌دارید؟ چون بعضی مواقع یک پیشنهاد اشتباه، آدم ها را از خواندن کتاب بیزار می‌کند.

این سؤال از اصلی ترین دغدغه هایی است که ما با آن سروکار داریم. اینکه چطور آدم ها را با سلیقه های مختلف به کتاب و کتابخانه جذب کنیم. همیشه چالشی جدی بوده است. شیوه ای که من خودم به آن رسیدم، این است که از مخاطب سؤال می‌کنم چه علایقی دارد. برای مثال من در هجده سالگی با خواندن رمان «پنجره»، از خانم رحیمی احساس خوبی پیدا می‌کردم و بعضی دیگر با خواندن داستان های عامه پسند این احساس پeshان دست می‌دهد. در هر صورت ما در این حرفه چند دسته مخاطب داریم. یک گروه «کتاب خوان ماه، هستند. به این صورت که هر ماه می‌آیند و کتاب هایی با علایق خودشان را می‌گیرند و در طول آن ماه می‌خوانند و ماه بعد می‌آیند و دوباره کتاب می‌گیرند. برای آن ها یک کتاب با همان سبک و سیاق خودشان با کمی تفاوت در نگاه -به سمت عمیق خوانی- را معرفی می‌کنم. ضمن اینکه به آن ها می‌گویم هیچ اصراری به تمام کردن کتاب نداشته باشند، اگر خوششان نیامد، کتاب را ببندند. امیدوارم که همکاران من بیشتر به این موضوع که کتابخانه یک پایگاه اجتماعی است، توجه کنند. آن وقت دیگر مخاطبان صرفا برای کتاب خوانی به آن مراجعه نمی‌کنند. بعد از آن می‌شود کارهای فرهنگی بزرگی انجام داد، کلاس های نویسندگی، کتاب خوانی، شناخت کتاب و فعالیت های فرهنگی دیگر که الان در کشور های پیشرفته در حال انجام است. این طور سطح سواد و فرهنگ جامعه هم بهتر می‌شود. ولی اکنون نگاه مردم به کتابخانه جایی است که می‌شود کتاب از آن قرض گرفت و پس داد.

● پس به نظر شما این دوره می‌ها جمعی که بتوانند درباره کتابی که خوانده اند با هم صحبت کنند، مفید است.

قطعاً مفید است. چون هرکسی نگاه خودش را به مسائل و کتاب ها دارد و می‌تواند به بقیه برای پیدا کردن موضوعات موردعلاقه شان کمک کند یا کتاب درمانی را به عنوان ساده ترین روش درمان ناهنجاری های رفتاری، باهم انجام دهند. البته ادعایی دربارۀ کتاب درمانی ندارم، چون برای

این منظور علاوه بر کتابداری به روان درمانی نیز نیاز است، ولی من با اطلاعات خودم می‌توانم دست کم به درمان ترس ها و اضطراب ها کمک کنم.

● به نظر می‌رسد این روش درمان با کتاب خیلی جواب داده است، به ویژه برای کودکانی که با فقدان یا ترس های طبیعی زندگی می‌کنند. شما به عنوان کتابدار و آشنا با کتاب، منابع تالیفی و ترجمه های قابل قبول در زمینه کتاب کودک را می‌شناسید؟ اصلا به نظرتان اوضاع این نوع کتاب ها در این زمینه چطور است؟

من کتاب هایی را که می‌شناسم، معرفی می‌کنم، ولی در زمینه کتاب کودک و نوجوان، واقعا کتاب خواندنی کم است. هر چه که هست، به دوره های

بعد از این سنین مربوط می‌شود و در موضوعات مختلف کمتر کتاب قابل توجه در حوزه کتاب کودک و نوجوان داریم. برای همین کتاب هایی که معرفی می‌کنیم، بیشترشان خارجی و ترجمه هستند. چون در بیشتر کتاب های کنونی داخلی، به موضوعاتی پرداخته می‌شود که آموزنده نیست. بچه های الان خیلی به حرف پدر و مادر خود گوش نمی‌کنند، دیگر چه برسد به توصیه های کتاب ها. برای همین است که معتقدم هنوز نویسنده های ما جا برای بهتر نوشتن و بهتر شدن دارند. به نظرم تا تکامل اصول

نگارش برای کودکان و نوجوانان راه زیادی داریم. کتاب هایی برای شخصیت های مذهبی و تاریخی که اصلا در کتابخانه وجود ندارد و همه اش هم برمی‌گردد به اینکه طرز فکر فلان نویسنده را قبول ندارند. درحالی که در اصل باید کتاب را در اختیار مخاطب قرار دهیم و کنار آن نقدش را هم بگذاریم و به مخاطب فرصت اندیشیدن بدهیم. مخاطب هم وقتی با چنین نظری رویه رو می‌شود، خودش می‌رود و از نسخه ای از اینترنت دانلود می‌کند

یا از طریق دیگری کتاب را فراهم می‌کند.

● ما کتابدارهایی هم داریم که این دغدغه ها را ندارند و به کتابداری صرفا به عنوان یک شغل نگاه می‌کنند. شما هم با این آدم ها سروکار داشته اید؟ آدم هایی که حتی خودشان کتاب هم نمی‌خوانند و اصلا در جایگاهی نیستند که به بقیه کتاب معرفی کنند و صرفا به عنوان کارمند کار می‌کنند. بله. این دسته هم وجود دارند. خیلی از آن ها به این فکر می‌کنند که مگر چقدر حقوق می‌گیرند که بخواهند روی این کار وقت بگذارند؟ همین موضوع باعث بی حوصلگی آن ها می‌شود و روی مخاطبان هم تأثیری نامطلوب می‌گذارد. و به ویژه کودکان که می‌خواهند شروع به خواندن کتاب کنند.

فلسفه و ما مردمان عادی!

خواهد کرد.
روایی با این پرسش ها، سامان دادن و اصلاح این پرسش ها و فرایند دست یافتن به پاسخ های احتمالی یادست کم کوشش برای رسیدن به پاسخ بایسته، فقط در صورتی محقق خواهد شد که مسیر اندیشیدن انسان روشنمند و در مدار درست باشد.

این مهم با یاری فلسفه محقق خواهد شد. به زبان ساده تر، می‌توان گفت این معنای عمومی از فلسفه یعنی روشنمندی برای چگونه اندیشیدن. جالب اینجاست که این سازوکار تفکر فلسفی را باید از سنین کودکی آغاز کرد. چه بهتر اینکه بگویم اتفاقاً تفکر فلسفی بیشتر از بزرگ سالان به کار کودکان می‌آید. کودکان با جهانی پهناتر از پرسش ها روبه رو هستند و روحیه شورمندتری برای دست یافتن به پاسخ ها دارند. چنانچه تفکر فلسفی به درستی آموزش داده شود، مسیر جامعه در جهت نیل به آگاهی عمومی بسیار هموارتر خواهد شد. چنانچه فلسفه در سطح همگان توسعه یابد، عشق و علاقه به اموختن و یادگیری در جامعه توسعه می‌یابد. همچنین، فلسفه کمک می‌کند مردم به مقولات و پدیده های پیرامون خویش حساس تر شوند و با آن ها برخوردی آگاهانه داشته باشند. کنش های



محمد جواد استادی
پژوهشگر مطالعات فرهنگی



عکس:مهرداد مستغان شورا

● توقع عده ای از کتاب خیلی زیاد است. بعضی مخاطبان می‌خواهند یک کتاب هم عاشقانه باشد، هم علمی، هم جنایی و هم عامه پسند! شما در کتابخانه با این طور آدم ها سروکار دارید؟

ما در کتابخانه دستانم در معرفی کتاب تقریباً باز است. من اول مخاطب را شناسایی نسبی می‌کنم. با روحیاتش در چند سؤال تقریباً آشنا می‌شوم و بعد به او کتابی معرفی می‌کنم تا قسمت زیادی از نیازش را برطرف کند. این کار یک طور روان شناسی لازم دارد.

● شما سال های زیادی ایمن کار را انجام داده و همراه خیلی از بچه ها بوده اید. مخاطبی هم داشته اید که از بچگی ششتری شما باشد و بعد بزرگ تر شده باشد و ازدواج کرده باشد و این جور چیزها؟

بله. به عنوان مثال من با کودکی افغانستانی در کتابخانه مجتمع امام رضا^(ع) آشنا شدم که سواد

خواندن و نوشتن نداشت. من از همان ابتدا شروع کردم به آموزش الفبا و خواندن و نوشتن به این بچه و آن قدر باهوش بود که در سه ماه به کتاب خواندن رسید. برای همین است که اعتقاد دارم اخلاقی یک کتابدار بسیار مهم است.

● در این مدتی که شما کار می‌کنید، از نظرتان رغبت به کتاب خوانی بیشتر شده است یا آدم ها کمتر برای دریافت کتاب مراجعه می‌کنند؟

من این طور فکر می‌کنم که اگر کسی کتاب نمی‌خواند، دلبیش علاقه مند نبودن به کتاب نیست. مشغله های کاری و زندگی نمی‌گذارد که سراغ مطالعه برود. همان طور برعکس، اگر کسی در یک موضوع خاص مطالعه می‌کند، شاید مجبور به این کار شده است و علاقه ای در کار نیست.

فردی و اجتماعی در جامعه ای که از تفکر فلسفی برخوردار باشد و روش های برآمده از فلسفه در زیست روزمره شهروندان آن جاری باشد، بسیار باریک بین تر در جهت خیر عمومی حرکت خواهد کرد. به عنوان مثال، در وضع کنونی که شاهد برخی کنش ها و رفتارهای اجتماعی از برخی افراد، در ظاهر اعتراض هستیم، شتاب زدگی، نبود رویکرد عقلانی و در نظر نگرفتن خیر عمومی در ایشان بسیار روشن است.
نیاز امروز جامعه ایرانی در همه تراز های عمومی توجه به اهمیت فلسفه برای همه مردم است. فلسفی اندیشیدن در سایه معارف و آموزه های دینی، زمینه ساز پویایی و تحرک جامعه ایرانی است، موضوعی که نیازمند توجه نهاد های سیاست گذار فرهنگی و اصلاح در نظام آموزشی است.